

چرا بعضاً جواب ابلهان خاموشی نمی باشد

آنکس که نداند و نداند که ندند

متأسفانه در اثر تخریب و فعالیت های متداوم گروه و گروهی که مکلفیت تفرقه اندازی و شقاق را با وابستگی به رژیم آخوندی ایران در بین ملت و اقوام شریف افغانستان دارند، مشاهده می‌گردد که با وجود مشکلات اجتماعی و روزگاران قابل تشویشی که بر مردم افغانستان مستولی گردیده است، تلاش مذبحانه و متداومی برای جدایی و حتی تحریف فرهنگ لسان اصیل دری افغانستان از گوشه و کنار حلقه های مهاجرین افغان صورت می‌گیرد.

حقیقت اینست که با استفاده از حالت زار اجتماعی جامعه افغانی درین چهار دهه اخیر و خصوصاً ربع قرن اخیر، رژیم آخوندی ایران با اجیر نمودن آن کتله از هموطنانی که به ارزش های ملی پا بندی و اعتنایی نداشته اند، چه از طریق مطبوعات داخل افغانستان از قبیل دستگاه های تلویزیون های متفرقه به رهنمایی تلویزیون های ایرانی پرست و اجیر «**طلوع**» و «**بیات**» و امثال آنان و چه در دنیای مجازی و انترنتی، صدمات جبران نا پذیری را در تخریب لسان اصیل دری افغانستان که در طول قرون به جلا و پختگی و بینبازی نایل آمده است، وارد ساخته اند. هر گامی که برای تحریف و دست اندازی بر این اصل ارزشمند فرهنگی افغانستان برداشته میشود خیانتیست غیر قابل بخشش. به همین منظور در مقابل وابستگی همه آنانی که به پشتیبانی از غیر تحت لوای «**فرهنگستان**» سخیف ایران لغات و اصطلاحات نا مأنوس و غیر ضروری را جانشین آنچه در جامعه افغانستان مروج، مقبول و طرف استفاده بوده، رایج می سازند، نباید از سکوت و اغماض کار گرفت.

«**فرهنگستان**» ایران که برای اختراع هزاران لغت و اصطلاح بهانه «**پاک سازی**» فارسی از عربی را «**!؟**» پیش کش می نماید، در حقیقت اگر واقعاً این «**پاک کاری**» را صورت دهد، در حقیقت لسانی باقی نمی ماند که عملاً به آن نوشت و خوان صورت گیرد. در حقیقت استعمال و امتزاج لغات عربی در فارسی ایران بیشتر از موجودیت آن در دری اصیل افغانستان است؛ حتی تعداد زیادی از اصطلاحات مذهبی آخوند ها اگر به لغات به اصطلاح خود شان «**من در آوردی**» جدید و اختراع بی پدر و مادر «**فرهنگستان**» ایران نباشد، حتماً ریشه و شکل عربی دارد.

در مورد مبارزه با سفسطه سرایی های علنی و ابلهانه و غیر ملی که نباید همیشه خاموشی اختیار نمود، یک دلیل مبرهن اینست که با گذشت بیشتر از چهار دهه از بربادی و جنگ ها و حالت زار محیطی در افغانستان، متأسفانه نسل های جدیدی در حال رشد و آموزش اند که با موجودیت اینترنت و دسترسی به هر نوع ادعا و معلومات غیر واقعی و بیشتر متکی به تفرقه اندازی و شقاق بین مردم مظلوم کشور، نسل های موجوده قسماً تحت تأثیر جفنگیات و ادعاهای غیر ملی وابستگان به غیر قرار گرفته و شستشوی مغزی میگردند. درین حالت با هر کجروی و روش غیر ملی ایکه بر تفرقه اقوام و مردم حقدار افغانستان منجر گردد، باید مبارزه و مجادلهٔ مشروع برای استحکام وحدت ملی و یکپارچگی همه اقوام مملکت صورت گیرد!

اخیراً نو به دوران رسیدگانی در مطبوعات لجام گسیختهٔ اینترنتی و فضای مجازی با همان وابستگی شان که در بالا ذکر گردید، تحت بهانهٔ آزادی افکار و آزادی مطبوعات «؟!» قدم فراتر گذاشته و دست به لغات و اصطلاحات نامأنوسی دراز می نمایند که شاید در چند هزار سال قبل در گوشه و کناری درین سرزمین رایج بوده و به مرور سالها و قرون فراموش گردیده است و یا اینکه از صادرات «**فرهنگستان**» سخیف ایران آخوندی بوده است! بلی هموطنی که جدیداً در سایت ها پدیدار گردیده، ولی ادعای بیشتر از سابقهٔ مطبوعاتی نیم قرن «؟!» را دارد به نام آقای «**احمد آریا**» گاهی در وبسایت افغان جرمن بر نو آوری های نا مأنوس میپردازد و به سراغ «**ویژه و واژه و تنش، چالش و کنش و واکنش**» میرود و زمانی هم با عقدهٔ چرکینی که با اکثریت قوم پشتون گویا در طول حیات در ضمیرش پرورش یافته است، به دو و دشنام بر تعامل و رواجی چون «**پشتون والی**» با قرن ها سابقه که بر اتحاد ملی و همبستگی اقوام استحکام یافته و حتی مبداء جرگه های افغانستان در حل مسائل اجتماعی نیز شمرده میشود، تیر اندازی و تمسخر می نماید.... نامبرده حتی با دردی که از موجودیت نیمی از نفوس افغانستان دارد، با معلومات ناقص، با جرأت احسائیة نفوس اختراع «؟!» می نماید که مطلق غلط است!

اخیراً این هموطن آزرده خاطر از حقایقی در وطن که به دلخواه وی نمی باشد، سخت بر اسم خاص موزون، پذیرفته شده، رسمی و با مفهوم «**پوهنتون**» که بیشتر از هفتاد سال سابقه منحصت مرکز تعلیمات عالی در سراسر افغانستان پذیرفته شده است، البته به پشتیبانی از همان راه و روش آخوندی ایران، انتقاد دارد و برای تغییر اسم «**پوهنتون**» به اسم خاص «**دانشگاه**» که ایران «**بعد ها**» برای مرکز تعلیمات عالی انتخاب نمود، سخت تلاش و تکاپوی مذبحانه دارد!

اینکه «پوهنتون» به چه لسانی از کدام قوم در افغانستان متعلق است، اصلاً مهم نمی باشد.... و در مورد «دانشگاه»، بلی با عین تعریف، اینکه در لغت و اصطلاح چه است، موضوع دومی میباشد؛ چنانچه میشود که از لحاظ معنی آنرا بر کودکستان و مکتب هم اطلاق نمود چونکه آن مراکز هم برای فراگیری دانش و علمیت است. ولی در حقیقت در سرزمین ایران «دانشگاه» منحیث اسم خاص برای مرکز تعلیمات عالی برگزیده شده و قانوناً تحت چنین اسمی فعال است. پس اینکه اسم مورد پسند و رایج اکثریت مردم افغانستان را ابلهانه به اسم خاص منتخبه مرکز علمی مملکت همسایه عوض نماییم، عین بیخردی خواهد بود؛ مگر اینکه چشم عقل و منطق ما را تعصبات قومی کور ساخته باشد. یا الله!!

در قوانین اساسی، منجمله قانون اخیر در مورد حق و ارزش همه اقوامی که در محدوده جغرافیایی ای به نام افغانستان زندگی می نمایند، چنین تصریح گردیده است که اکثریت و اقلیت در مقابل قانون دارای حقوق و وجایب مساوی میباشدند. پس این اسم خاص در هر موردی که استعمال گردد فقط میتواند مظهر و جایگاه مرکز تعلیمات عالی در افغانستان شناخته شود

اینکه یک هموطن تکیه بر ایران آخوندی که عقده قومی و منطوقی طوری وی را از منطق به دور نگه میدارد که با عصبانیت سه نویسنده سابقه دار را یکی «؟!» شمرد و به هر سه آنان دو و دشنام حواله می نماید، جای نهایت افسوس و ترحم است.

آقای آریا اگر زمانی شاگرد در یکی از پوهنخی های پوهنتون بوده باشد، معلوم است که بر خلاف عقیده و باور خویش آن مرکز علمی برارنده را برای آموزش تعلیمات عالی پذیرفته است؛ یعنی که افتخار بیشتر آموختن را در آن جایگاه علم و دانش افغانستان عزیز داشته است. اینکه طرفداران و هواه خواهان اسم موزون «پوهنتون» را به دو و دشنام سخیف و دور از کرامت انسانی و اخلاق و ادب قلم یا می نماید، در حقیقت همان قضیه «کاسه چینی است که صدا میکند»، ورنه خوب آگاه هست که احصائیه «پوهنتون» خواهان به اکثریت ملت افغانستان میرسد!

با تلاش مذبوحانه شیفتگان فرهنگ آخوندی، ملیگرایان دست از مبارزه و قلمی که در راه وحدت همه اقوام شریف افغانستان و ارزش های فرهنگی آنان باشد، بر نخواهند داشت. به ارتباط به این معضله ملی، مدتیست که تحقیقات و استدلال منطقی و ارزشمند دانشمندان خبره آقای «سراج و هاج» را یکی بعد دیگر، برای تحکیم وحدت ملی و روشنگری برای نسل های ما، در «استقلال خیلواکی» منتشر می نماییم که نهایت آموزنده بوده و بر استدلال منطقی در زمینه ملی گرایی استوار است.

«*» - نوت: در مورد احصائیه نفوس در افغانستان، نویسنده و محقق توانا داکتر «نور احمد خالدي» که از قضاء در امور احصائیه گیری در افغانستان از همان عصر جمهوریت داود خان تجارب دقیقی دارد، نفوس اکثریت پشتون افغانستان را تا حدود ۴۷٪ بیان داشته است. اینکه این اکثریت با اقلیت هایی که در افغانستان بسر میبرند، از لحاظ قانون دارای حقوق و وجایب مساوی بوده اند، شکی نداریم.

در پایان مبحث، اینهم سطوری در پاسخ به دوست محترم، داود ملکیار که بعد از مطالعه مضمون بزرگداشت از سال مرگ مرحوم ولی احمد نوری، ارسال داشته بود، چون به نحوی به موضوع ارتباط میگیرد، تقدیم خوانندگان میگردد. سلام دوست معزز، داود جان ملکیار،

ممنون از مطالعه و لطف تان در مورد مطلب این شاگرد در معرفی و یاد بود مرحوم «ولی احمد نوری» که پیشگام در مبارزه وحدت ملی، تجاوز فرهنگی ایران و علیه هر نوع خیانت و جنایت در احوال ملت شریف افغانستان بوده است. روحش شاد و مبارزه اش جاودان باد!! متأسفانه از هر گوشه ای از صفحات فرهنگ افغانی وابسته به غیر و وجدان فروختگانی چون قوی کوشان ها و چوکره های وی، مخدوم رهین ها و امثال آنان برای تخریب وحدت و فرهنگ ملی و تفرقه و شقاق اندازی بین اقوام شریف افغانستان سر از آستین آخوند های مفلوک و دستگاه لغت سازی «فرهنگستان» سخیف ایران، سر بلند می نمایند. مرحومان ولی جان نوری و خلیل الله هاشمیان در حقیقت سخت درین مبارزه روان بودند و بسیار موفق که قلم کثیف و وابسته قوی کوشان را با تمام دم و دستگاه زمره فروشان پنجشیر وابسته به ایران، شکستند. این مبارزه باید دوام یابد چونکه همه درد مردم شریف افغانستان جدایی، نفاق، شقاق و تفرقه قومی است.

گرچه با عدم معلومات، سواد ناقص، عقده خود بزرگ بینی، زخم چرکین ضد اکثریت پشتون و کج روی های مبرهن غیر ملی، نو به دوران رسیده ای بنام احمد آریا که با نایبایی گسترده در مسائل ملی به چپ و راست حمله میکند و نمیداند که اسم با تمکین «پوهنتون» مهم نیست به چه لسانی متعلق بوده است، بلکه، به حکم قانون و تعامل، در حدود هفتاد سال، عملاً در سراسر افغانستان دقیقاً منحیث یک «اسم خاص» نام مرکز علمی آموزشی رسمی در کشور می باشد. در حالی که اسم خاص «دانشگاه» که نام مرکز عالی تحصیلی در ایران است، بعد تر بمیان آمد و آنهم رسمی و در

همان کشور قابل پذیرش است!! اینکه این دو در لغت چه معنی میدهند، مبحث دیگریست. در زمینه بحث بیشتر بر این دو «اسم خاص» :

اگر در خانه کس هست، یک حرف بس هست!

هموطنی که از سر عقده و تعصب و ادعای نیم قرن سابقه مطبوعاتی «!؟» نشناسد که خلیل الله معروفی افغان غیر پشتون در شناخت مسائل ملی و ادب دری اصیل افغانستان به کجا رسیده است و وی را با نویسندگان دیگری چون آقایان حیدری و حسیب الله «!؟» مخلوط نماید، گویا به منزله «**خسن و خسین که هر سه دختران معاویه بودند**» تداعی می‌گردد و باید گفت که حقیقتاً:

آنکس که نداند و نداند که نداند!

باید افتخار نمود که هموطن ما که آقای انجنیر خلیل الله معروفی باشد، عجالاً در ملیگرایی و دانش فرهنگ ارزشمند افغانی، امروز یگانه استاد نظم و نثر دری اصیل افغانستان محسوب می‌گردد.

به آرزوی سلامتی ،

خواهر شما،